

تأثیر مولفه های هویت کالبدی و فعالیتی بافتهای تاریخی در ایجاد تعاملات اجتماعی

رقیه عطائی* - دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، گروه معماری، تبریز، ایران.
محمد رضا پورمحمدی - عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز، گروه برنامه ریزی شهری، تبریز، ایران.

The impact of physical identity components and activity of the historical contexts in creating social interactions

Abstract

Historical context of cities reflects the civil character, culture and urban interactions. In these contexts, in addition to the physical, is answered to create an atmosphere in accordance with the function and performance. Moreover, the notions of "body" and function are raised as effective components in interventions of historical contexts. Therefore, understanding these components are important both towards intervening in historical contexts and towards extending its notions to other sectors, by looking at the historical context, it is obvious that forming and their life in historical continuity, cultural, social, environmental has been explicit as coherent and coordinated. Residents of these contexts have received their identity through social interactions and participation in creating these permanent atmospheres. The impact of such permanent places is in forming of individual and social and cultural identity. This paper evaluates effective components such as social interactions, activities, interests in social links of individuals with the old context and is in order to physical and architecture respond to them. In this study, by research method of descriptive, analytical and library studies and the theory of social links and its main components, is tried to investigate the physical concepts in historical contexts, to investigate the concepts such as participation, attachment, commitment, belief and the sociological positioning, in terms of physical and understanding the features of social links and the need for its physical restoration in historical contexts. So as, leads to these separation of the components of physical and the activity that is effective in the links between people and old context.

Keywords: historical context, social, physical, function, interactions, identity, location.

چکیده

بافت تاریخی شهرها منعکس کننده شخصیت مدنی، فرهنگ و تعاملات شهری است. در این بافت ها علاوه بر کالبد به فضاسازی مطابق با کارکرد و عملکرد نیز پاسخگوی می شود. علاوه بر این، انگاره های «کالبد» و «کارکرد»، به عنوان مولفه های مؤثر در مداخلات بافت های تاریخی مطرح اند. بنابراین شناخت این مولفه ها هم در جهت مداخله در بافتهای تاریخی و هم در جهت تعمیم انگاره های آن به سایر بخشها حائز اهمیت اند با نگاهی به بافت تاریخی، این نکته مشهود است که شکل گیری و حیات آن ها در تداومی تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، و محیطی به صورتی منسجم و هماهنگ عیان گردیده است. ساکنان این بافت ها هویت خود را از طریق ارتباطات اجتماعی و مشارکت در ایجاد این فضاهای ماندگار دریافت می نموده اند. تأثیر چنین مکان های ماندگاری در شکل دهی به هویت فردی و اجتماعی و فرهنگی است. این مقاله مولفه های مؤثری نظیر: تعاملات اجتماعی، فعالیتها، دلبستگی را در پیوند اجتماعی افراد با بافت قدیم مؤثر ارزیابی می کند و در جهت پاسخگویی کالبدی و معماری به آنهاست. در این پژوهش با روش تحقیق توصیفی، تحلیلی و مطالعات کتابخانه ای و با چارچوب نظریه پیوند اجتماعی و مولفه های اصلی آن درصدد بررسی مفاهیم کالبدی در بافتهای تاریخی، به بررسی مفاهیمی نظیر مشارکت، دلبستگی، تعهد و باور و موضع گیری جامعه شناختی آن، از منظر کالبدی و شناخت ویژگی های پیوند اجتماعی و لزوم احیای کالبدی آن در بافتهای تاریخی پرداخته می شود. تا بدین طریق به تفکیک مولفه های کالبدی و فعالیتی که در پیوند میان مردم و بافت قدیم مؤثر است بینجامد.

واژه های کلیدی: بافت تاریخی، اجتماع، کالبد، کارکرد، تعاملات، هویت، مکان.

بر پیکره حیاتی شهر وارد آورد. و سبب عدم تمایز ویژگی‌های خاص یک شهر (نظیر عناصر کالبدی) از دیگری گردد. بنابراین در این پژوهش با هدف بررسی مفهوم کالبدی در بافتهای تاریخی، به بررسی مفاهیمی نظیر هویت، مشارکت، دلبستگی، تعهد و باور و موضع‌گیری جامعه‌شناختی آن، از منظر کالبدی و شناخت ویژگی‌های پیوند اجتماعی و لزوم احیای کالبدی آن در بافت‌های تاریخی پرداخته می‌شود. این مقاله سعی دارد با استناد به مولفه‌های پیوند اجتماعی به بررسی میزان هماهنگی آن با فضاهای سنتی پرداخته، عناصر کالبدی موثر در معماری از قبیل دسترسی، فضای مورد نیاز، قابلیت‌های کالبدی لازم، امنیت و کیفیت فضا را ارائه دهد؛ بدین ترتیب حس کلی که پس از ادراک و قضاوت نسبت به محیط خاص در فرد به وجود می‌آید حس مکانی می‌باشد (رحمانی، ۱۳۸۷، ص ۷۸) که بر میزان دلبستگی به مکان تاثیر می‌گذارد. و شامل عوامل کالبدی، احساسات و معانی و فعالیت‌ها می‌باشند. هویت در محیط مصنوع در این پژوهش با رویکرد رابطه میان کالبد و معنا، از این منظر که «ویژگیهای تعریف و تمایزهای با دیگران، چه وجه اشتراکی با کالبد و معنا دارند؟» قابل طرح و بررسی است. امروزه نابسامانی‌های هویتی تهدیدی برای بقا و پایداری کالبدی محسوب می‌شود و می‌تواند تمام ارزشهای میراث فرهنگی شهروندان را از بین ببرد. بنابراین در کالبد مکان و حس مکان در بافت تاریخی، می‌بایست به مفهوم هویت و تبعات آن، تاکید بسیاری گردد؛ لذا بی‌توجهی به هویت شهر می‌تواند عواقب ناخواسته‌ای را بر پیکره حیاتی شهر وارد آورد. تاکید این مقاله بر روی مولفه‌های پیوند اجتماعی و اهمیت آن در مکان‌های سنتی است. چارچوب نظری این تحقیق مولفه‌های پیوند اجتماعی در فضای سنتی است که با استناد به مطالعات کتابخانه‌ای و باتکیه بر کتب و مقالات برگرفته از آن می‌توان مولفه‌های مصنوع و ارزشهای نهفته در ناحیه تاریخی را طبقه‌بندی نموده و با

جست و جوی معنی در مکان‌ها و فضاهای شهری در دهه‌های اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است. به دنبال انقطاع تاریخی و بریدن از آن چه میراث گذشته محسوب می‌شد، و در پی بیانیه‌های تقسیم شهر به نواحی عملکردی با فضاهای سیال و بی‌انتها و فرم‌های ساده و احجام خالص و مکعب شکل، آن چه حاصل شد مکان‌های بدون تفاوت در کیفیت و رمز و راز بود. عملکردگرایی خود در زمینه‌ای تاریخی تحقق یافته بود که چنین نوعی از شهرسازی و معماری را ناگزیز می‌کرد. هویت کالبدی بر الگوهای رفتاری و نحوه تعاملات افراد در بافتهای تاریخی تاثیرگذار بوده است و مردم نیز مشتاقانه به حضور و مشارکت در چنین فضاهای تاریخی پاسخ مثبت داده‌اند (گهل، ۲۰۰۴)؛ همچنین علاوه بر ابعاد کالبدی و هویت کالبدی که در حضور و تعامل اجتماعی افراد موثر است، پیش‌بینی و خلق رویدادهای اجتماعی است که در عین ایجاد فرصت‌های مشارکت در فعالیتها اجتماعی می‌تواند زمینه‌ساز ارتقا حس تعلق به مکان نیز باشد (لنارد، ۱۹۸۴). «تراویس هیروشی» چهار مولفه تاثیرگذار بر پیوند اجتماعی افراد را «مشارکت، دلبستگی، تعهد و باور» معرفی کرده است و بر این عقیده است که رابطه معناداری بین این مولفه‌ها و پیوند افراد با جامعه برقرار است. از این رو شناخت ابعاد کمی و کیفی فضاهای سنتی حائز اهمیت است. امروزه نابسامانی‌های در بافت‌های تاریخی بوجود آمده است، که تهدیدی برای بقا و پایداری کالبدی آن محسوب می‌شود و می‌تواند تمام ارزش‌های میراث فرهنگی شهروندان را از بین ببرد. بنابراین در کالبد بافت‌های تاریخی، می‌بایست به مفاهیم هویت، دلبستگی، مشارکت، تعهد و باور تاکید بسیاری گردد؛ لذا در بافت‌های تاریخی هر شهر علاوه بر مداخلات بافت‌ها در جهت تعمیم انگارهای آن به سایر بخش‌ها نیز باید توجه کرد. همچنین بی‌توجهی به آن می‌تواند عواقب ناخواسته‌ای را

روش تحقیق توصیفی- تحلیلی مابه ازای معماری این مفاهیم را در فضاهای سنتی ارائه نمود.

بافت های تاریخی و ارزش های نهفته آن

با نگاهی به بافتهای تاریخی^۱ این نکته مشهود است که شکل گیری و حیات آن ها برپایه اصول خاص انسانی، کالبدی و طبیعی بوده است؛ ازاین رو، از شخصیت و هویت ویژه ای برخوردار است. با وجود این، در چند دهه اخیر بر اثر تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و موارد مشابه (چنگیزی و احمدیان، ۱۳۹۲، ص ۵۴). نابسامانی های در مداخلات بافت قدیم بوجود آمده است، این تحولات و ساخت وسازها در درون شهر و بافتهای قدیم- که به صورت ناهنجار و بدون احترام به کیفیتهای موجود، فضاهای شهری و سیمای شهری اتفاق می افتد- تهدیدی برای بقا و پایداری کیفیت محیط شهری بافت قدیم محسوب می شود و می تواند تمام ارزشهای میراث فرهنگی شهروندان را از بین ببرد. احیا بافت های تاریخی هر شهر علاوه بر مداخلات بافت ها در جهت تعمیم انگارهای آن به سایر بخشهای طراحی- از قبیل طراحی شهری و معماری در بافت های جدید- بسیار حائز اهمیت است. در این قسمت با بررسی مفهوم پیوند اجتماعی مرتبط با روانشناسی اجتماعی و جامعه شناسی- که مرتبط ترین حوزه به مفاهیم کالبدی است- پرداخته می شود. «ناحیه تاریخی (Historic Region) مرکز شهر طبق نمونه های پیش گفته و تاکید بر این تعریف مبتنی بر: محدوده ای از بخش مرکزی شهر، که شامل اصلی ترین محلات قدیمی است که دارای ارزش هویتی- فرهنگی بوده و از بخش های دیگر شهر متمایز می باشد» (خلیل آباد و پوراحمد، ۱۳۸۴، ص ۳۲)؛ بعلاوه فضایی است عمومی که ضمن دارا بودن شخصیت و هویتی ویژه، آن را به مقصدی یگانه برای شهروندان مبدل ساخته و نیز منعکس کننده شخصیت مدنی کل شهر در خود است. چنانچه که گفته شد کالبد به مفهوم نوعی حس و درک

انسانی مطرح نیست، ولی در عین حال دربرگیرنده اندیشه ها، باورها، فعالیتها است. بنابراین در بافت های قدیمی شناسایی ارزش های زیبایی شناسی، فرهنگی و بومی از طریق مفاهیم زیر امکان پذیر می باشد.

ارزش زیباشناختی در تنوع معماری

مناطق تاریخی دارای کیفیت های خیره کننده ای هستند. آنها عطر و بوی دوره مهارت های اصیل و فردیت هایی را برون می تراوند که در دوران فرآورده های صنعتی و نظام های ساخت و سازهای مهم از دست رفته است. احتمالاً نوعی هویت غریزی در مصالح و مواد طبیعی یافت می شود که حال و هوایی بهتر از مواد ماشین ساز به آن ها می دهد. به عقیده اپلیارد (Appleyard) «راحتی عینی، تولیدات ارزان و ایمنی، به بهای فردیت زدایی کسب شده اند».

بنابراین مقیاس انسانی، فردیت و تشخص، اهمیت دادن و مهارت از عناصر کالبدی از لحاظ زیبایی شناسی در بافت قدیم می باشند که اکنون در شهر ماشین ساز مدرن با اجزای تکراری و پروژه های کلان مقیاس آن به چشم نمی خورد (امینی لاری، ۱۳۹۰).

ارزش تداوم خاطره فرهنگی؛ ارزش میراث: از اواسط دهه ۱۹۶۰ به این سو، این توجیه برای حفاظت مناطق تاریخی، اهمیت فزاینده ای یافت و پرداختن به مقوله اصالت فرهنگی، به صورت گسترده مطرح شد. شواهد رویت پذیر گذشته به لحاظ آموزشی و تربیتی به هویت فرهنگی و حفظ یاد و خاطره مردم و مکانهای خاص یاری می رسانند و جامعه امروز را با سنت گذشته پیوند می دهند و با تداخل گذشته در زمان حال، معنا و مفهومی به حال می بخشد. این ایده در پیشگفتار «قانون حفاظت تاریخی ملی امریکا» (۱۹۹۶) نیز عنوان گردیده است (امینی لاری، ۱۳۹۰).

ارزش های بومی و منطقه ای: مطالعه کالبد مستلزم بررسی خصوصیات متمایزکننده شکل شهر و بستر طبیعی آن دو است که لزوماً متفاوت است.

۱. آن بخش از شهرهای ایران را که تا عهد قاجار شکل گرفته اند، بافت قدیم یا تاریخی می نامند.

از آنجا که معماری بومی دارای ویژگی‌هایی است که با تمام وجوه انسانی در ارتباط است و از نظر محیطی نیز با محیط طبیعی و طبیعت در ارتباطی از نوع سازگاری و هماهنگی است (کامیار، ۱۳۹۳، ص ۹۲).

رویکردی به مقوله هویت

شاید اولین مرحله از شناخت هر مفهوم، به ویژه مفهوم پیچیده‌ای مانند هویت، تحقیق در معنی آن از دیدگاه واژه‌شناختی یا به اصطلاح فقه اللغه باشد؛ بدین منظور در این قسمت از بحث، معانی و تعاریف واژه شناختی هویت در واژه نامه‌های فارسی و لاتین مطرح می‌گردد. هویت عبارتست از تشخیص و همین معنی میان حکیمان و متکلمان مشهور است، هویت گاه بر وجود خارجی اطلاق می‌گردد، هویت گاه بر ماهیت با تشخیص اطلاق می‌گردد که عبارتست از حقیقت جزئی. اصطلاح و مرتبه احدیت و لاهوت اشارت است از آن. در انسان کامل گوید صوفیه هویت مرتبه ذات حجت را گویند هویت حق تعالی عین او است که ممکن نیست ظهور آن. هویت از لفظ هو گرفته شده که اشاره به غایب است و آن درباره خدایتعالی اشاره است به کنه ذات او به اعتبار اسماء و صفات او با اشعار به غیوبت آن (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۳۵). هویت به معنای احساس تعلق و این همانی با محیط و معیارهایی چون احساس امنیت، خاطره انگیزی، حس تعلق و وابستگی نیز تعریف شده است. هویت کالبدی از نظر مفهومی با اصطلاحات «شخصیت» و «حس مکان» مترادف است (میرمقتدایی، ۱۳۸۳، ص ۲۹). در ترجمه‌هایی که از زبان‌های اروپایی انجام شده

است، اغلب واژه هویت را در برابر واژه Identity در زبان انگلیسی برگزیده‌اند. واژه Identity انگلیسی از زمان پیدایش تا کنون بر پنج معنا دلالت کرده است:

۱. کیفیت یا وضعیت «همان» بودن؛ همانی مطلق یا وجودی؛
 ۲. فردیت، شخصیت (از سال ۱۶۳۸ م)؛ وجود فردی (از سال ۱۶۸۲ م)؛
 ۳. (در جبر) معادله یا عبارتی که به ازای همه مقادیر متغیرهای خود ثابت باشد؛
 ۴. بازشناخته شدن از نظر احساس و علائق، (از سال ۱۸۶۸، کاربرد این معنا محدود است)؛
 ۵. آنچه مالک خود را بشناساند، مانند کارت شناسایی (از سال ۱۹۰۰ م) (رحیم زاده، ۱۳۸۷).
- طبق تعالیم اسلام، اهداف حیات انسان اصولاً در مقولات معنوی و روحانی خلاصه می‌شود و وجه مادی حیات وی تنها به عنوان وسیله وصول به آن آرمانها معرفی می‌گردد. عمده ترین اهداف حیات انسان عبارتند از: عبودیت و عبادت حضرت حق، حضور در معاد، تمرکز بر توحید و وحدانیت الهی و انجام اعمال برای او، قیام برای برپایی عدل، خروج از ظلمات به سوی نور، و در نهایت وصول به قرب الهی (نقی زاده، ۱۳۸۲، ص ۲۳). هویت اجتماعی، در حقیقت شناخت و آگاهی انسان نسبت به جایگاه و منزلت خود در گروه‌ها و نهادهای اجتماعی است و علاوه بر شناخت خود در جامعه، شامل شناخت نحوه ارتباط و تعامل عناصر جامعه نسبت به یکدیگر است. در تعریف هویت اجتماعی ریچارد جنکینز معتقد است که «هویت اجتماعی درک ما از این

جدول ۱. معیار ارزیابی هویت کالبدی (Physical Identity)

تمایز / تشابه	تمایز از غیر و تشابه با خودی
تداوم / تحوّل	پیوند با گذشته و عدم انقطاع (تداوم معنی و ارزش‌های خودی) در عین نوآوری و خلاقیت با توجه به شرایط زمانه (خود ماندن ولی همان نماندن).
وحدت / کثرت	پیوند میان اجزای متفاوت، ناهمگون و حتی متضاد به گونه‌ای که در کنار هم یک کل را به وجود بیاورند.

جدول ۲. شناسایی ارکان هویت

پیوستگی و تمرکز	تمرکز ایجاد هویت می کند و این از مضارب شهرهای کهن است (مزینی، ۱۳۷۷، ص ۶۶). شهر بی شناسه شهری بدون تاریخ و بدون هویت است؛ چون هویت عامل محدودکننده و مقاوم در برابر تغییر و تمرکز طلب و متعلق به گذشته است اما در عین حال سیر معکوس شهر را نفی نمی کند (مزینی، ۱۳۷۷، ص ۷).
تمایز	هویت کالبدی به معنای صفات و خصوصیات است که جسم شهر را از غیر متمایز و شباهتش را با خودی آشکار می کند. این صفات باید به گونه ای باشند که جسم شهر، در عین تداوم زمانی، در حال تحول و تکامل نیز باشد و در نهایت به پیدایش یک کل منجر شود (میرمقتدایی، ۱۳۸۳، ص ۳۵).
تداوم	حس انقطاع از گذشته و الگوبرداری از مدل های دیگران برای مسکن که به گسستگی تداوم تجربه های معماران انجامیده است، نشانه های امروزی بودن را در خود داشته و همچون راه حلی آماده و آسان در دسترس بود (اقبال، ۱۳۷۲، ص ۳۷).
خاطره	خاطره محفوظ در حافظه در مفهوم گسترده آن، همانا بازسازی گذشته است. هر فرد اجتماعی، دو حافظه دارد؛ یکی درونی و دیگری بیرونی. حافظه، چه فردی و چه جمعی، به معنی حفظ گذشته در حال یا حفظ زمان حال در گذشته است (هالبواش، ۱۹۸۳، ص ۴۵).
مذهب	عاشورا عامل بسیار مهمی در حفظ هویت ایرانی و اسلامیبوده و هست (بلخاری، ۱۳۹۱). محیط شهری عامل مهمی در تجلی دادن هویت فرهنگی بهره گیری از هنرهای بومی و ملی در معماری و فضاهای خاص یک شهر است که نمایشگر هویت جامعه واجد آن فرهنگ نیز می باشد (نقی زاده، ۱۳۸۷، ۲۶). احترام گذاشتن به نیاکان و گذشتگان که این فرهنگ سازی از تخریب بافت قدیمی و سنتی جلوگیری می کند.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۲۳۳

مطلب است که چه کسی هستیم و دیگران کیستند و از آن طرف درک دیگران از خودشان و افراد دیگر از جمله خود ما چیست» (چنگیزی و احمدیان، ۱۳۹۲، ص ۴۵). هویت اجتماعی در کنار هویت شخصی، مکمل هویت انسان به شمار می آید. هویت جمعی، جایگاهی از زندگی اجتماعی است که طی فرآیند اجتماعی شدن حاصل می شود و طی آن افراد جامعه معمولاً با ضمیر «ما» خود را متعلق و مدیون بدان می دانند و در برابر آن نوعی احساس تعهد و تکلیف می نمایند. این نوع هویت که شیوه

و نحوه تفکر، احساسات و تمایلات گروه است، نوعی احساس تعهد مشترک و تکلیف به گروه را بر می انگیزد. این احساس، تا حد به شدت و میزان فراوانی روابط اجتماعی افراد در سطح کشور وسیعی، بستگی دارد. هرچه این نوع هویت، در سطح کشور، قوی تر باشد، شخصیت اجتماعی شهروندان نیز منسجم تر و جدی تر پی ریزی می گردد. در نگاه سنتی هویت انسان مقدم بر وجود اوست و در نگاه مدرن وجود انسان مقدم بر هویت او. زیستن انسان سنتی در این جهان آمیخته با ریاضت ها،

رعایت‌ها، خودداری‌ها، و بردباری‌هاست. او می‌داند که غایت او فراتر از این قلمرو ناسوتی است که به او داده شده تا بر آن حکومت کند (نصر، ۱۳۷۶، ص ۲۲۴). هدف انسان مدرن (سکولار) از زیستن در این جهان، کام گرفتن از این جهان است. فرانسیس بیکن (۱۵۲۶-۱۵۶۸ میلادی) در واقع به دنبال ایجاد علم جدیدی بود که بتواند انسان را بر طبیعت مسلط سازد و به او قدرت و تفوق بر محیط بدهد؛ چنین فردی زندگی را یک فروشگاه بزرگ می‌داند که او در آن آزاد است تا پرسه زند و هر چه را می‌پسندد، انتخاب کند (نصر، ۱۳۸۰، ص ۳۱).

مکان

با نگاهی به بافت تاریخی، این نکته مشهود است که شکل‌گیری و حیات آن‌ها در تداومی تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، و محیطی به صورتی منسجم و هماهنگ عیان گردیده است. ساکنان این بافت‌ها هویت خود را از طریق ارتباطات اجتماعی و مشارکت در ایجاد این فضاهای ماندگار دریافت می‌نموده‌اند. تاثیر چنین مکان‌های ماندگاری در شکل‌دهی به هویت فردی و اجتماعی و فرهنگی زیاد است سرچشمه می‌گیرد. کانون این تحقیقات به صورت ذهنی و عینی و نوع مطالعات به صورت پژوهشی و میدانی می‌باشد. صاحب نظران حوزه مذکور رلف (۱۹۷۶)، نوربرگ شولتز (۱۹۸۳)، وایت (۱۹۸۸)، هیس (۱۹۹۰) بوده‌اند. که با این ایده اصلی: «مردم چگونه محیط اطراف خود را مشاهده، احساس و استفاده می‌کنند و این دو چگونه بر هم تاثیر می‌گذارد» به جستجوی مفهوم مکان (Place)، حس مکان (Sense of place) و احساس تعلق به مکان (Sense of belonging to place) پرداختند (R.Cuthbert ۲۰۰۶). شولتز مکان را فضای احساس و درک شده و با خاطره عجین شده تلقی می‌کند و بخشی از معنای مکان را در تجربه‌ها و حالات روحی انسان جست و جو می‌نماید. برای او مکان همان فضای زنده است. (شولتز، ۱۳۸۳، ص ۷۳). استفاده از نشانه‌های خاطره‌انگیز و نمادها در

ادراک و فهم انسان از مکان موثر می‌باشد. این نشانه‌ها می‌توانند علائم آشنا و یا خاطره‌انگیز برای مردم باشد. و در کل احساسات و درک فضا به مفهوم مکان است (سادات حبیبی، ۱۳۸۷، ص ۴۳).
عوامل شکل دهنده به هویت مکان در بافت تاریخی

تجربه مکان از نحوه ارتباط بین شخص و محیط حاصل می‌شود. پس شناخت مکان در لحظه حضور در آن صورت می‌گیرد که ساختار کالبدی با خصوصیاتش، تجارب ما از مکان، خاطره‌ها و احساس‌های وابسته به مکان را برای ما زنده می‌کند و شناخت ما از مکان را ممکن می‌سازد. خصوصیات مکان در بافت‌های تاریخی که ما را به سوی درک هویت مکان رهنمون می‌سازد، به صورت سیما و چشم‌انداز، نظم فضایی، رویداد، خاطره، جهت‌گیری و یگانه‌پنداری قابل تفکیک است، اگر هر یک از این وجوه در مکان حضور نداشته باشد، وضوح و روشنی مکان برای شهود ناظر از میان خواهد رفت و معنایی از پس این مکان به او متبادر نخواهد شد.

پیکره‌وسیم (چشم‌انداز به عنوان نماد هویت)

به صورت کلی هر مکان دارای خصوصیتی است که بازگوکننده شخصیت استفاده‌کنندگان و زیستندگان در آن مکان است. برای درک و سپس توصیف نقش مکان در زیست جهان می‌توان موقعیتی را در نظر آورد که در آن، محیط برای فرد اهمیت بیش از اندازه می‌یابد و آن لحظه ورود به هر شهری است. ورود و رسیدن به هر شهر تنها زمانی معنی می‌یابد که آن شهر پیشتر هویتی به دست آورده باشد، هویتی که باز گوکننده ویژگی‌های ساکنان نیز هست. هویت پذیرفتن هر جا منوط به نزدیک شدن ما بدان است و منظره اطراف، به تدریج که به آن نزدیک می‌شویم، هستی می‌پذیرد (زید، ۱۳۶۷، ص ۲۰). پس می‌توان گفت که هویت مکان در نگاه اول در لحظه رویارویی با آن شناخته می‌شود و بدین سان می‌توان گفت که در این لحظه مکان جدید کشف

جدول ۳. مکان و معیارهای سنجش آن، پونتر و مونتگمری ماخذ: (Carmona, ۲۰۰۶)

مکان	معیارهای سنجش
تصویر ذهنی	خاطره و نمادگرایی، خوانایی و نمایانی، تجربه های حسی، ارتباطات روانی، ادراک، شخصی، جهانی
فعالیت	گوناگونی، سرزندگی، زنده بودن خیابان، نظاره کردن مردم، کافه فرهنگی، سرگرمی های محلی - سنتی، ساعنهای فعالیت، فعالیتهای جاذب، معامله و اقتصاد
فرم	مقیاس، مرکزگرایی، نفوذپذیری، نشانه ها، فضاهای ساخته شده، نسبتها، فضاهای عمومی

می شود. درست به این دلیل که ما برای رویارویی به مکان نیاز داریم، می باید این مکان سرشار از تنوع و چندگانگی باشد. در این رویارویی، شناخت، زمانی رخ می دهد که شخص پیش تر با آن مکان آشنایی داشته باشد، از این رو، سیمای شهرهای تاریخی دارای ویژگی های است که به شکل گیری تصویر ذهنی مشخص کمک می نماید:

۱. عناصر شهری در ارتباط با محیط اطراف هستند؛
۲. توالی و تداوم در دیدهای پیاپی به وضوح دیده می شود؛
۳. روشن، زنده و پیوسته است؛
۴. یادآور خاطرات و سبیل هاست؛
۵. عناصر نشانه های دارد که بر ذهن ناظر تاثیر گذار است. احساس امنیت در هم نهشتی عناصر و کاربردها را نمایان می سازد؛
۶. واضح و مشخص است؛

۷. بر معنا، فرم نیک، تفرح خاطر ریتم، محرک احساس و وسعت دامنه اختیار تاثیر می گذارد. وجود نظم فضایی در بافت های تاریخی، نوید توحید است. تمامی پدیده های طبیعی و همچنین امرهای واقع اجتماعی، مجموعه ای پویا از عناصری هستند که در این مجموعه های در حرکت همساز می شوند و به یک هویت می رسند. بدین سان که عناصر ترکیب پذیر با حفظ هویت ویژه خود، در ترکیب با یکدیگر نیز یک کل واحد ملموس را شکل می دهند.

نظم فضایی

هر مکانی به حکم ماهیت خود در فضا متحقق است

و چون چنین بوده و هست به نظم فضایی که خود حاصل نظم ادراکی است، نیازمند است. «اتمسفر هر مکانی با یک فرم یکپارچه و انسجام فضایی تناظر برقرار می کند و تک تک عناصر این مکان به یاری این کلیت متناظر توصیف و شناخته می شوند» (شولتز، ۱۳۸۵، ص ۴۳). در بین عناصر مجموعه، در بافت تاریخی پیوند فضای وجود دارد و این پیوند از طریق گذرها با مراکز محله های دیگر و با مرکز شهر در پیوستگی تمام قابل مشاهده است. نحوه ارتباط فضاها با فضای شهری، با رعایت مقیاس های مختلف عملکردی، به صورتی متناسب و همخوان رعایت شده است. در بافت های قدیم فضاها نه آنقدر بزرگ است که تماس بصری با اطراف ضعیف شود و نه آنقدر کوچک که به انسان ترس از مکان محصور دست دهد. و محصوریت ها در بافت تاریخی با استفاده از رنگ های روشن در بدنه ها به گونه ای تعدیل شده است و احساس ناخوشایندی به انسان دست نمی دهد.

رویداد

رسیدن به مکان بعد از رویارویی رخ می دهد و شناخت مکان که پس از کشف نظم فضایی آن رخ می دهد، به ماندن، تعمق و فهم رویداد مکان می انجامد. هم رویداد از فهم بیننده حاصل می شود و هم مکان دیدار می تواند به سادگی، محلی برای ژرف اندیشی و تأمل برای فهم رویداد مکان باشد که در این حالت دوری و فاصله ای میان دیدارکنندگان به وجود می آید. مکان های که با امر مقدس مرتبط هستند، جایگاه خاصی را برای خود تعریف



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

■ ۲۳۵ ■

می کنند. مکان های مقدس، نه تنها بیانگر پذیرش هستند، بلکه خبر از روشنی و پالایشی می دهند که آن مکان را به عرصه کیهانی وصل می کند. این حالت در مساجد به کمال خویش می رسد: به این معنا که آدمی با گشت میان داخل و خارج، میان وحدت و کثرت، و خلوت و جلوت سیر می کند. هر فضای داخلی خلوت گاه و محل توجه به داخل و هر فضای خارجی، جلوت گاه و مکان توجه به ظاهر می شود. نما و سردر مسجد، دروازه آسمان و داخل آن تصویری از بهشت را نمایان می کند (پور جعفر، ۱۳۸۹).

هویت فردی

«در هر کالبدی در خود حسی از گوشه گیری و انزای هنگامی پدیدار می شود که تک و تنها به ماوای خود پناه می بریم. تنها هنگامی که از آستانه ماوا و مسکن خود در می گذریم، به واقع خورا در کاشانه می یابیم. در خانه است که ما در جهان آن گونه که هستیم معنی پیدا می کند و سکنی گزینی تعریف می شود» (شولتز، ۱۳۸۵، ص ۴۶). معلوم و مشخص بودن حد و مرز یا قلمرو فضایی که انسان در آن حضور می یابد، از تمایلات فطری اوست. این قلمروها معمولاً به دو صورت عمومی و خصوصی قابل تفکیک است. در معماری بافت های تاریخی به قلمرو واسط و حد میانی فضاهای عمومی و خصوصی توجه بسیاری شده است. قلمروها به صورت یک واحد محله ای (مجموعه همسایگی)، و قلمرو یک واحد مسکونی تفکیک شده است (پرتوی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۴).

خاطره

شرط لازم برای کاربرد هر مکانی به معنای واقعی کلمه خاطره است کیفیت های بصری و هنری و ملاحظات زیبایی شناسی از عوامل تجزیه ناپذیر مکان هستند. کلیتی که این کیفیت ها می سازند، باز گو کننده چیستی مکان هستند. گاه محیط طبیعی و مصنوع چنان در قالب موجودیتی وحدت یافته در هم می آمیزند که همچون تصویری یگانه

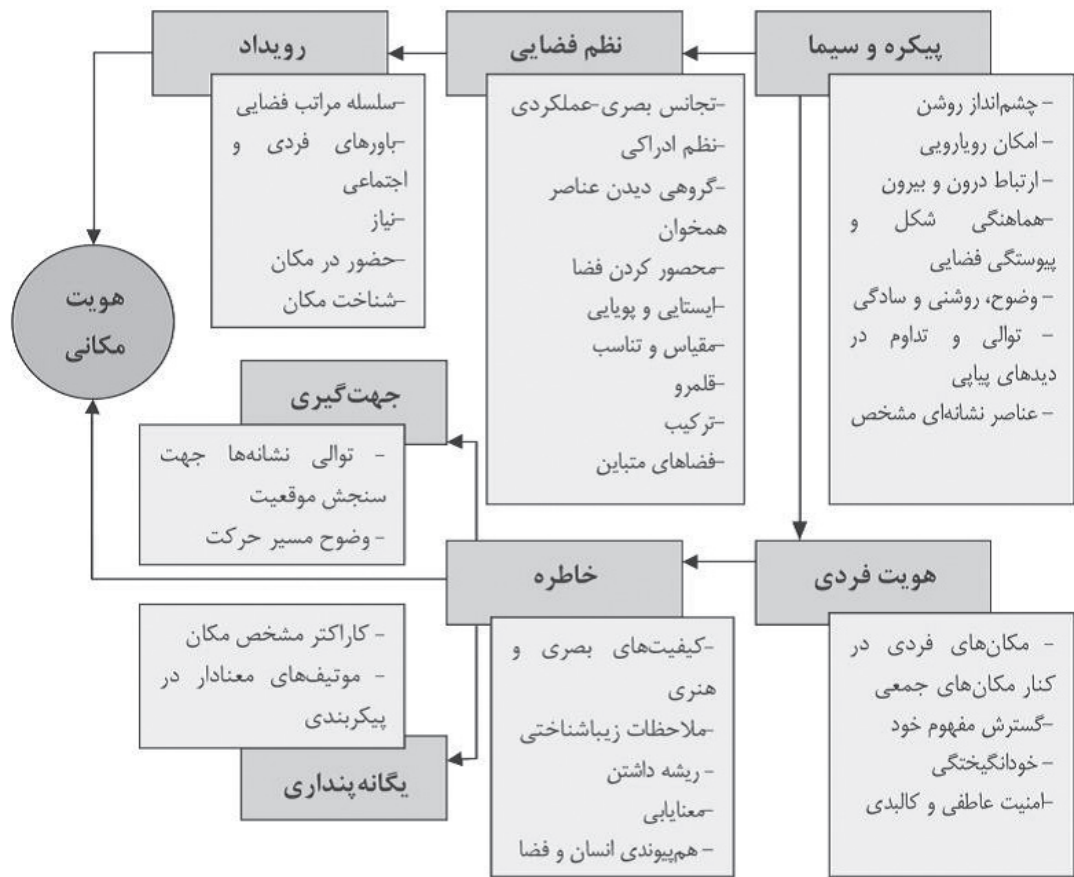
به خاطر سپرده می شوند. این تجربه را می توان به زیبایی با حضور در مکانی قدیمی یا بافت تاریخی شهرهایمان درک کرد. با چنین مکان ملموسی به سادگی می توان یگانه پنداری کرد و خود را جزئی از آن دید. مکانی که فاقد نشانه های آشنای شکلی و تصویری باشد، هویت کمرنگی خواهد داشت و خوگیری با آن ممکن نخواهد بود (شولتز، ۱۳۸۵، ص ۴۹).

جهت گیری

خاطره مستلزم جهت گیری است، به عبارت دیگر برای رفتن به هر جایی نخست باید از هدف و مقصد، دانسته ای در ذهن باشد. نه تنها مکان مورد بحث باید کیفیت های بصری داشته باشد، باید مشخص و دریافتی نیز باشد تا چگونگی حرکت به سوی آن واضح باشد. وضوح بصری بسیار زیادی در معابر و گذرهای بافت های تاریخی وجود دارد که حس حرکت و تمایل به سمت هدف مشخص را بروز می دهد. این امر با سایه اندازی ها، عقی نشینی عناصر و ورودی ها و تعریف انتهای مسیرها ایجاد گشته است. نشانه ها عوامل نمادی هستند که در شهر های قدیم در مقیاس های مختلف کلان و خرد و با کارکردهای مختلف فعال و غیرفعال شکل گرفته اند. نظام تقسیم بندی محله ها و کارکردها نیز معناهای مشخصی به محدوده ها داده اند که می توان از آن ها به عنوان نشانه های ذهنی یاد کرد. این نشانه ها جهت یابی آسان، تصویر خوانا، آسایش شهروندان و حرکت آسان را در شهر به دنبال خواهند داشت.

یگانه پنداری

خاطره، کارکرد بنیادین در یگانه پنداری با محیط دارد. در بافت های تاریخی شخصیت منحصر به فرد خصوصیت مشخص آن، به شکلی خود انگیخته ثبت و ضبط شده است، حتی پیش از آشنایی ما با نشانه های شاخص آن، یعنی نقش مایه های معناداری که پیکربندی کالبد بدان معناداری می بخشد. پس برای شناخت هویت هر مکان ابتدا باید شکلی عینی، چگونگی و چیستی مکان را فهمید.



نمودار ۱. مدل مفهومی برای عوامل شکل دهنده به هویت مکانی در بافت تاریخی؛ ماخذ: نگارندگان.

فضای جمعی، هر گونه فضای سرپوشیده و محصور یا سرباز شهری به منظور برپایی فعالیت‌های جمعی (مثل صحن یا شبستان مساجد، سالن نمایش و امثال هم) است. افرادی که در فضا گردهم می‌آیند و با هم در ارتباط هستند (نقی زاده، ۱۳۸۶، ص ۱۸۲). اهمیت فضاهای عمومی و جمعی بر هیچ کس پوشیده نیست. فضای جمعی فیزیکی و عرصه‌ای است که نقش معنایی و محتوایی را ایفا می‌کند. در فضاهای جمعی موقعیت‌هایی برای ایجاد خاطره جمعی و ذهنیت مشترک پدید می‌آید. فضای جمعی جایی است که حیات اجتماعی در آن جریان دارد و به دلیل یک واقعه تاریخی و اجتماعی یا برنامه از پیش تعریف شده در خاطر جمعی مردم جای دارد. این فضاها مکانهایی اند که بیشترین

هویت معماری را همان ارزش‌هایی رقم می‌زند که تنها در بستر ابنیه سنتی ادراک می‌شود، چرا که معماری به آن دلیل شکل می‌گیرد تا ارزشها را در خویش بپروراند و صورتی کالبدی بر آنها متصور شود که اگر چنین نبود و معماری سنتی ایرانی فاقد ارزش می‌نمود، معماری ابنیه کهن چیزی بیشتر از مشتکی خشت و خاک نمی‌نمود. این نکته بر این دلالت دارد که معماری و شهرسازی، واجد رسالتی است تا ارزش‌های کهن فرهنگی را در درون ذات خویش پاس دارد و بر این اساس عنصری هویت بخش به ساختار فرهنگی شمرده شود، چنانچه التزام همگونی هویت و معماری در آثار معماری جهان مشاهده می‌شود.

فضاهای جمعی و عمومی

برخوردها و کنش میان افراد در آن ها به وقوع می پیوندد و شامل تمام بخش هایی از شهرند که مردم به آن ها دسترسی فیزیکی و بصیری دارند. بنابراین مرزهای این فضاها، خیابان ها، پارک ها، میدان ها با بناهایی که آن ها را محدود می سازد، تعیین می شوند (تیبالدز، ۱۳۸۵).

تقویت حس باهم بودن از طریق ایجاد انواعی از فضاهای عمومی امکان پذیر است. برای مثال، فضای عمومی یعنی «زمینه مشترکی که مردم در آن بتوانند فعالیت های عملکردی را که منجر به پیوند بینشان می شود، انجام دهند» (کر، ۱۹۹۲، ص ۱). تقویت فضای عمومی به عنوان نقطه گردهمایی مجدد افرادی که از هم جدا افتاده اند به خوبی بر اهمیت با هم بودن تاکید دارد. عرصه عمومی قوی (یعنی جایی که زندگی عمومی در آن متجلی شده و از قلمرو خصوصی به وضوح جداست) به عنوان عنصری اساسی برای سلامت یک جامعه مطرح است (مدنی پور، ۱۳۸۹، ص ۲۴۷). در طول تاریخ، فضاهای عمومی شهرها همیشه نقش اصلی در زندگی اجتماعی شهرها بازی می کرده اند لکن اهمیت خود را از دست داده و دیگر به عنوان گره های اصلی در شبکه های اجتماعی تلقی نمی شوند. طراحان شهری مکان های فضایی بسته را پیشنهاد می کنند که مثبت تلقی شده و مخلوطی از انواع مردم و فعالیت ها را در خود جای می دهند. ایجاد این گروه های درون نگر و انحصاری می تواند قدم مثبتی باشد در جهت کاهش تضادهایی که منتج از برداشت ها و انتظارات گوناگونی است که درباره فضای شهری وجود دارد و می تواند به شهرگرایی با نگاه تحمل بیشتر یکدیگر و افزایش پیوند اجتماعی منجر شود (مدنی پور، ۱۳۸۹، ص ۲۵۷).

عرصه عمومی صحنه ای است که در آن شهروندان در شکل دادن به افکار و عقاید مشترک و تاثیرگذاری بر اقدامات مشترک بین خود گرد می آیند. اگرچه فضای عمومی لازم برای انس و معاشرت بر روابط بین شخصی در مکان های عمومی به عنوان عنصر اصلی و پیوند زندگی اجتماعی تاکید می ورزد، اما حاوی اهداف سیاسی نمی باشد (مدنی پور، ۱۳۸۹، ص ۲۱۹). عرصه عمومی صحنه ای است که از نظر کالبدی و سازمانی یکپارچه شده و افراد را به یکدیگر پیوند می دهد تا آنان را قادر سازد با اعمال کنترل بر اینکه تاجه اندازه آشکارسازی و پنهان سازی کنند، به روابطشان نظم دهند. علاوه بر آن، این مکان فراهم می شود تا افراد بتوانند تفاوت ها و هویت های خود را بروز دهند، آنچه که به عنوان واقعیت می شناسند آزمون کنند، ثبات را از طریق برقراری ارتباط با نسل های دیگر تجربه کنند در عین حال که حکومت را تحت مذاقه و بازرسی قرار داده و افکاری مشترک را شکل دهند تا بدین وسیله معانی مثبت و منفی آزادی را با یکدیگر در یکجا جمع کنید (مدنی پور، ۱۳۸۹، ص ۲۲۰).

نظریه پیوند اجتماعی^۱

یکی از راهکارهایی که بتوان نظم اجتماعی را حفظ کرد و باعث باعث افزایش یکپارچگی اجتماعی شد، ایجاد اجتماعات منسجم در جامعه است که مهم ترین روش برای تحقق کل گرایی از طریق تشویق و تقویت با هم بودن و ایجاد پیوندهای اجتماعی جدید است تا بتواند از انفجار و ازهم گسیختگی بافت اجتماعی جلوگیری کرد (مدنی پور، ۱۳۸۹، ص ۲۱۳). ایجاد ارتباط قوی بین افراد فقط هنگامی امکان پذیر می شود که مجموعه ای از چارچوب های اجتماعی در جای خود قرارگیرند: چه از دیدگاه

۱. سطوح مختلف حس مکان: هویت یافتن با معانی نمادین محیط ساخته شده احساس تعلق مردم را به یک گروه اجتماعی یا یک مکان افزایش می دهد (لنگ، ۱۳۸۱). هیومن پنج گونه حس مکان را معرفی کرده که عبارت از ریشه داری عقیدتی، ریشه داری ناخودآگاه، مکان نسبی، بیگانگی با مکان و بی مکانی است (هیومن، ۱۹۹۲). کراس حس مکان را ترکیبی از رابطه با مکان و حس حضور در اجتماع می داند. کراس نیز پنج سطح مختلف از حس مکان را به صورت ریشه داری منسجم، ریشه داری نامنسجم، بیگانگی با مکان، بی مکانی نسبی و بی مکانی مطلق دسته بندی می کند (کراس، ۲۰۰۱).

جامعه‌گرایی و چه از دیدگاه فردگرایی دموکراتیک. فضا یکی از این چارچوب‌هاست و طراحی فضای شهری زمینه‌ای برای روابط اجتماعی فراهم می‌کند (مدنی پور، ۱۳۸۹، ۱۸۹).

با ایجاد فضاهای عمومی واقعی به جای ایجاد گره‌ها و محدوده‌های محصور و بسته که منجر به قطبی شدن جامعه و فضا می‌شود، می‌توان انتظار داشت که قدری میزان تحمل یکدیگر و پیوند اجتماعی افزایش یابد (مدنی پور، ۱۳۸۹، ص ۲۴۵). ایجاد ارتباط قوی بین افراد فقط هنگامی امکان پذیر می‌شود که مجموعه‌ای از چارچوب‌های اجتماعی در جای خود قرار گیرند چه از دیدگاه جامعه‌گرایی و چه از دیدگاه فردگرایی دموکراتیک. فضا یکی از این چارچوب‌هاست و طراحی فضای شهری زمینه‌ای برای روابط اجتماعی فراهم می‌کند. چارچوب نظری این تحقیق بر نظریه اجتماعی «تراویس هیرشی»^۲ استوار است. وی مولفه‌های پیوند اجتماعی را مشارکت، دلبستگی، تعهد و باور معرفی کرده است و بر این عقیده است که رابطه معناداری بین این مولفه‌ها و پیوند افراد با جامعه برقرار است؛ به طوری که هر چه این مولفه‌ها در جامعه تقویت شود پیوند اجتماعی افزایش می‌یابد (رضایی شریف، ۱۳۹۱). بهره‌گیری از این مولفه‌ها گامی موثر در جهت پایداری اجتماعی و ارتقا کیفیت فضاهای شهری است. در زیر به بررسی این مولفه‌ها پرداخته می‌شود.

نظریه هویت و مکان در بافت تاریخی

دلبستگی به مکان

دلبستگی به مکان آیینی از سطوح حس مکان است که در این سطح، فرد ارتباط عاطفی پیچیده با مکان دارد. مکان برای او معنا دارد و مکان محور فردیت است و تجارب جمعی و هویت فرد در ترکیب با معانی و نمادها به مکان آیینی شخصیت می‌دهد در این حالت برمنحصر به فرد بودن مکان و تفاوت بر آن با دیگر مکان‌ها تاکید می‌شود (فلاح، ۱۳۸۵). دلبستگی به این معناست که فرد نسبت

به دیگران حساس است و شامل ادراک تعلق، احساس خوشایندی و افتخار به بودن در جامعه و احساس ایمنی و راحتی در جامعه است (مادوکس و پرینز، ۲۰۰۳). مازلو احساس خوشایندی برآورده شود (رضایی شریف، ۱۳۹۱). کیفیت معماری مکان‌ها و طرح کالبدی یکی از عوامل محیطی موثر در حس دلبستگی به مکان و کاربران محیط است. این تاثیر مستقیم یا جبری نبوده، بلکه به صورت عاملی ادراکی با ایجاد تصاویر ذهنی و تسهیل برخی فعالیت‌ها بر استفاده‌کنندگان تاثیر می‌گذارد. طرح کالبدی مکان‌ها با القا زیبایی و هویت و با تسهیل روابط اجتماعی، فعالیت‌ها و ایجاد رضایتمندی در کاربران بر شکل‌گیری نسبی حس دلبستگی به مکان موثر است (فلاح، ۱۳۸۴). یک مکان به دلیل امکان رخداد یک رابطه اجتماعی و تجربه مشترک میان افراد، احساس تعلق و دلبستگی را شکل می‌دهد (پاکزاد، ۱۳۸۸، ص ۳۱۹). احساس تعلق و دلبستگی به مکان، سطح بالاتری از حس مکان است که در هر موقعیت و فضا به منظور بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در مکان نقش‌ننده‌ای می‌یابد (فلاح، ۱۳۸۵، ص ۶۰). حس تعلق یکی از علایم و عوامل مهم در ارزیابی ارتباط انسان، محیط و ایجاد محیط‌های انسانی با کیفیت است. این سطح از معنای محیطی بیانگر نوعی ارتباط عمیق فرد با محیط بوده و در این سطح فرد نوعی هم‌ذات‌پنداری بین خود و مکان احساس می‌کند (جوان فروزنده، ۱۳۹۰). حس تعلق دارای دو بعد کالبدی و اجتماعی است که نتایج، نشان‌دهنده برتری تعلق اجتماعی بر تعلق کالبدی در محیط است. حس تعلق به مکان منطبق بر مدل شکل‌گیری معنا در محیط (برایند تعامل فرد، دیگران و محیط)، از یک طرف وابسته به مشخصات و ویژگی‌های فردی شامل: انگیزش‌ها، شایستگی‌ها و شناخت افراد نسبت به مکان بوده و از طرف دیگر، ریشه در تعاملات اجتماعی و ارتباط فرد و دیگران در محیط دارد که منبث از نیاز انسانی تعلق به عنوان نیاز اولیه انسانی است (همان).

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۲۳۹

تعهد به مکان های سنتی در بافت تاریخی

منظور از تعهد، سرمایه گذاری در فعالیت های عرفی و قراردادهای اجتماعی یا تلاش برای بدست آوردن یک وجهه خوب است. در واقع تعهد نوعی وابستگی عاطفی و روانی نسبت به محیط جامعه است که فرد و جامعه را به یکدیگر پیوند می زند (رضایی شریف، ۱۳۹۱). تعهد یا سپردگی به معنای آن که فضا باید به گونه ای طراحی شود که افراد از روی اختیار بیایند و لحظاتی را در آن سپری کنند. تعهد به مکان از سطوح حس مکان است که بالاتر از مرتبه حس دل بستگی به مکان است (فلاح، ۱۳۸۵). ویژگی های کالبدی محیط با ایجاد معانی و تامین فعالیت های خاص، در ایجاد حس مکان موثر است. تامین فعالیت ها از فضا با رضایت مندی ای ویژگی های متغیر محیط مانند: دما، صدا و امکان انجام فعالیت های فردی و تعاملات اجتماعی توسط عناصر ایستایی محیط مانند ابعاد، تناسب و فرم ها به وجود می آید. شناخت و عاطفه نسبت به فضا با درک معانی، نمادها، زیبایی شناختن فرمی معنایی فضا و هویت مندی با آن حاصل می شود (همان، ص ۶۳). از این رو برای فراهم کردن زمینه جذب افراد به مکان باید از فعالیت های جذب کننده مانند برگزاری انواع مراسم آیینی سنتی مانند تعزیه خوانی، مراسم ماه محرم، مراسم نذری، مراسم اعیاد و مناسبت ها و دیگر مراسم باستانی و مذهبی بهره گرفته شود. از طرف دیگر برای آن که افراد در فضا بمانند و در کمال رضایت به سر ببرند، کالبد مناسب مانند ارتقای کیفیت زیبایی شناسانه فضا، از جمله فرم و نمای مناسب، ساخت آبنما، کاشت گیاهان به منظور تلطیف هوا، محلی برای نشستن، گفتگو، نورپردازی در شب و سایر عناصر نمادین معماری پیشنهاد می شود (خستو، ۱۳۸۹).

مشارکت اجتماعی در مکان های سنتی

این مولفه بیانگر مشارکت و تعاملات اجتماعی در نقش ها و فعالیت های اجتماعی و سنتی است. مشارکت در

فعالیت های عرفی، پیوند افراد را با ارزش ها و قواعد جامعه افزایش می دهد. به این صورت که فرد حین انجام این فعالیت ها، ارزش ها و هنجارهای عرفی را درونی کرده، ویژگی های سازگار کننده درونی تقویت می شود و در نتیجه به جامعه پذیری افراد کمک می کند (رضایی شریف، ۱۳۹۱). مونگمیری فضای عمومی موفق را در نوع فعالیت فضا می داند که می بایست تا حد امکان متنوع باشد (مونگمیری، ۱۹۹۸: ۹۹). چهار عامل اصلی راحتی و تصویر پذیری، دسترسی و ارتباط، کاربرد و فعالیت، اجتماعی بودن در ایجاد یک مکان موفق موثر است (مدیری، ۱۳۸۷). برای افزایش مشارکت و تعاملات اجتماعی در فضاهای آیینی اجتماع بودن فضا نقش موثری دارد.

ویژگی های مکان های سنتی اجتماع پذیر

به طور کلی خلق یک فضای عمومی یا فضای سنتی موفق که بتواند پذیرای افراد و گروه های مختلف باشد مستلزم تامین عوامل زیر است:

۱. تامین قلمرو، امنیت، ساختار منسجم، تداوم و خوانایی و قابل پیش بینی بودن فضا؛
۲. وجود تسهیلات مناسب در فضا، پاسخگویی، راحتی و آسایش محیطی؛
۳. میزان اطلاعات، شور و هیجان محیطی: که مستلزم وجود ابعادی چون پیچیدگی و رمز آلودگی، آموزش، امکان بیان خود، گوناگونی و تضاد، انتخاب، هویت یابی، خلوت جویی و دل بستگی در فضا است؛
۴. تعاملات اجتماعی (دانشپور، ۱۳۸۶).

بعد اجتماعی فضاهای عمومی و فضای آیینی، مبتنی بر مثلثی از انسان، فضا و حیات جمعی است که پاسخگویی به ابعاد مذکور مستلزم توجه به موارد زیر است:

۱. شناخت نیازهای انسان در رابطه با فضا و شناخت گروه های مختلف استفاده کننده از فضا؛
۲. شناخت ابعاد کالبدی فضای عمومی و قابلیت های آن در رابطه با بعد اجتماع پذیری فضا؛
۳. شناخت ابعاد موثر در حیات جمعی در نمونه های موجود و تامین مابدها از کالبدی و فرصت های

جدول ۴. ارتباط بین کیفیت فعالیت های اجتماعی و اختیاری؛ ماخذ: دانشپور، ۱۳۸۶.

کیفیت محیطی مطلوب	کیفیت محیطی نامطلوب	نوع فعالیت ها
		فعالیت های اجباری
		فعالیت های اختیاری
		فعالیت های اجتماعی

لازم جهت بروز فعالیت های اجتماعی (دانشپور، ۱۳۸۶).

به طور کلی فعالیت های حاکم در فضاهای عمومی و سنتی را می توان بر اساس نوع و نحوه فعالیت کاربران فضا به سه دسته زیر تقسیم بندی کرد: با آنکه عوامل بصری و زیباشناسانه در اجتماع پذیری فضاها از شروط لازم اند ولی به تنهایی کافی نیستند. وجود فضاهای کافی برای نشستن و گفتگو، وقوع رویدادهای خاص در فضا از قبیل نمایش های آیینی سنتی، هنرهای عمومی و رخدادهایی از این قبیل که مردم را با یکدیگر پیوند می دهند، به جذابیت فضاهای سنتی می افزاید (همان).

باورها و اعتقادات در مکان های سنتی

باور به معنای پذیرش ارزشها و هنجارهای اجتماعی است. مولفه باور، بیانگر پذیرش و اعتقاد فرد به اعتبار قواعد اخلاقی و اجتماعی، اعتقاد او به ارزشها و هنجارهای اخلاقی جامعه و وفاداری اش به آنهاست (رضایی شریف، ۱۳۹۱). برخی تحقیقات نشان داده است که مشارکت در فعالیت های عرفی، پیوند فرد را با ارزش ها و قواعد جامعه افزایش می دهد. به این صورت که فرد در حین انجام این فعالیت ها، ارزش ها و هنجارهای عرفی را درونی کرده، ویژگی های سازگارکننده درونی تقویت می شود و در نتیجه به جامعه پذیری افراد کمک کرده و به تبع آن اقدامات مجرمانه نیز کاهش می یابد. باورها و اعتقادات بخشی از صورت های ذهنی آثار انسان هستند که بر پایه ی آن ها، مراسم و سنت ها که آن ها هم بخشی از صورت های رفتاری آثار انسان هستند شکل می

گیرند. مراسم ها و جشن های سنتی از جمله تعزیه خوانی و اجرای نمایش های آیینی- سنتی به عنوان زنده و پویای فرهنگ هستند. مراسم ها و مکان های سنتی به لحاظ زمان و مکان مقدس برگزاری آن ها، در ترکیب با یکدیگر و به نسبت گستره رواج و شعاع عمل خود، موجب قوام و دوام مجموعه نظام فرهنگ سنتی می شوند (میرشکری، ۱۳۸۱). هگل برخلاف تاکید بر اهمیت ابزاری جامعه و طبیعت، عبارت زندگی اخلاقی ۱ را بکار می برد که به معنای تعهد اخلاقی فرد نسبت به محلی است که او را در برمی گیرد. او معتقد است که اخلاقیات نه در خلا بلکه در اجتماع منسجم محلی به تکامل و اوج خود می رسد و آزادی و حس کمال افراد درون محله کسب می شود و نه در پس زمینه های غیر قابل تمایز از یکدیگر (تیلور، ۱۹۷۹).

ویژگی های کالبدی مکان های سنتی در ایجاد دلبستگی، تعهد و اجتماع پذیری به مکان های سنتی

این دسته از عوامل بر اساس نظریه مکان- رفتار در روانشناسی محیطی، در دسته بندی محیط به دو عامل مهم فعالیت و کالبد می پردازد (جوان فروزنده، ۱۳۹۰). عوامل موثر در ایجاد حس تعلق بیشتر مربوط به تصویر ذهنی و همچنین فعالیت ها و رویدادها از معنی مکان را شامل می شود (سرمست، ۱۳۸۹). فعالیت های حاکم در یک محیط را بر اساس عوامل اجتماعی، کنش ها و تعاملات عمومی انسان ها تعریف می کنند و کالبد را به همراه متغیرهای فرم و ساماندهی اجزاء، به عنوان مهم ترین عوامل در

شکل گیری حس تعلق محیط ارزیابی می نماید. عناصر کالبدی از طریق ایجاد تمایز محیطی، ارتباط درون و بیرون در فضاها به ایجاد حس تعلق می پردازند. شکل، اندازه، رنگ، بافت و مقیاس به عنوان ویژگی های فرم هر یک نقش موثری در شکل گیری حس تعلق داشته و نوع ساماندهی و چیدمان اجزای کالبدی نیز عامل موثر دیگر نیز می باشد. از سوی دیگر عناصر کالبدی از طریق هم سازی و قابلیت تامین نیازهای انسان در مکان در ایجاد حس تعلق موثر است (جوان فروزنده، ۱۳۹۰). در طراحی هر یک از متغیرهای رنگ، شکل، بافت، مقیاس و نوع ساماندهی بر اساس نیازهای انسانی و تامین نوع فعالیت موردنظر در فضاهای سنتی از اهمیت خاصی برخوردار می شوند که بیانگر قابلیت محیطی است که فرم عملکرد را شکوفا می کند (مطلبی، ۱۳۸۵). کیفیات کالبدی یک فضای سنتی به عنوان یک فضای عمومی با نحوه ی دسترسی، موقعیت، آسایش فیزیولوژیکی در شرایط مختلف اقلیمی و امنیت، در رابطه است. علاوه بر این وجود عناصر طبیعی در فضاهای عمومی که سبب افزایش هیجان و سرزندگی محیط و دعوت کنندگی می شود (کاپلن ۱، ۱۹۹۸). در نظر گرفتن کیفیت طراحانه ای مانند تعیین و یکپارچگی فضا، ابعاد، تناسب، انعطاف پذیری، فرم، هندسه، مصالح، محصوریت، بدنه ها، پیوستگی کالبدی، و فضایی می تواند نقش موثری در ادراک انسان از فضا باشد (پاکزاد، ۱۳۸۴). نکات زیر برای افزایش اجتماع پذیری فضاهای سنتی راهگشا است:

۱. فرصت های کالبدی مناسب جهت نشستن، مکث و تامل بیشتر در فضا؛
۲. فضاهای کانونی جهت تجمع افاد مانند گردهمایی های کوچک و برگزاری کلاس های آموزشی و موارد مشابه؛
۳. ورودی های دعوت کننده و دسترسی به فضا به لحاظ بصری و کالبدی؛
۴. پیش بینی عناصر عملکردی در کنار ابعاد زیبایی شناسانه آن؛

۵. راه ها و ارتباطات فضایی مناسب در هدایت مردم درون فضا، خوانایی و وضوح فضایی؛
۶. کنترل دسترسی وسایل نقلیه و امنیت پیاده؛
۷. تعریف بدنه و هویت جداره ها؛
۸. ارتباط با سیستم حمل و نقل شهری؛
۹. پیش بینی فعالیت های جاذب (مدیری، ۱۳۸۷).

نتیجه گیری و جمع بندی

به طور کلی نتایج نشان می دهد که کالبد فضا در پیوند اجتماعی افراد موثر است. با توجه به مطالعات انجام شده می توان دریافت که علت پویایی و سرزندگی فضاهای سنتی در مرحله اول به دلیل ویژگی خاص فعالیتی آن بوده که از اعتقادات و باورهای سنتی نشان می گیرد. کارکردهای متنوع در این فضاها می تواند بر جذابیت و سرزندگی این فضاها بیافزاید. افراد با شرکت در مراسم های آیینی - سنتی که از اعتقاد و باور آن ها برخاسته نوعی هم ذات پنداری با محیط پیدا می کنند. از طرف دیگر فرم مناسب و قابل ادراک و کالبد متمایز و استفاده از عناصر و نمادهای سنتی در ایجاد تصویرهای ذهنی افراد و خاطره انگیزی فضا کمک و حس دلبستگی و تعهد به مکان را افزایش می دهد. معیارهای کالبدی معماری علاوه بر تنوع فعالیت های سنتی در این فضاها در پیوند اجتماعی افراد موثر است. با توجه به این که دلبستگی و تعهد زیر شاخه حس تعلق محسوب می شود، از این رو پیشنهادات معماری یکسانی برای این دو مولفه ذکر شده است. برخی از ابعاد معماری موثر پیوند اجتماعی در فضاهای سنتی در زیر ارائه شده است.

۱. ابعاد کالبدی معماری موثر بر مولفه مشارکت و تعاملات اجتماعی در فضاهای سنتی عبارت است از: دعوت-کنندگی، دسترسی بصری و کالبدی، پاسخگویی به مقیاس عملکردی و سرانه فضا، تنوع و انعطاف پذیری فضایی و فعالیتی در جذب گروه های مختلف (جنس، سن و...)، دسترسی گروه های اجتماعی مختلف، مطلوبیت فضایی، مقیاس مناسب با تاثیرات رفتاری و حسی در فضا، جاذبه بصری

طراحی مطلوب، دید و منظر، عوامل طبیعی، خوانایی).

۲. ابعاد فعالیتی موثر بر مولفه مشارکت و تعاملات اجتماعی فضاهای سنتی عبارت است از: پاسخگویی فعالیتی، تنوع و سرزندگی فعالیتی، نهادهای آموزشی، تنوع کاربردی، فعال بودن فضا در زمان های مختلف.

۳. ابعاد کالبدی معماری موثر بر مولفه دل بستگی و تعهد به مکان سنتی: فرم، اندازه، مقیاس انسانی، بافت، رنگ، نور، روابط، چیدمان و سازماندهی فضایی، رعایت سلسله مراتب فضایی، جذابیت بصری ارتباط درون با بیرون محیط، مرکزگرایی، نماد های سنتی، شاخص سازی، خوانایی.

۴. ابعاد فعالیتی موثر بر مولفه دل بستگی و تعهد به مکان سنتی عبارت است از: برگزاری انواع مراسم های آیینی سنتی، تنوع فعالیت و کاربری، رویدادها و وقایع اجتماعی.

۵. ابعاد کالبدی معماری موثر بر مولفه باور و اعتقاد به مکان سنتی عبارت است از: جذابیت و مطلوبیت، رعایت سلسله مراتب فضایی.

۶. ابعاد فعالیتی موثر بر مولفه باور و اعتقاد به مکان سنتی عبارت است از: برگزاری انواع مراسم های آیینی سنتی، تنوع فعالیت و کاربری.

منابع و مآخذ

کامیار، سجاد (۱۳۹۳) رابطه وجوه ادراکی انسان با عوامل هویت بخش در معماری، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۶، صفحه ۹۲

چنگیزی، نگار و احمدیان، رضا (۱۳۹۲) بررسی شاخص های هویت فضای شهری در بافت تاریخی (نمونه موردی: بازار کرمان)، فصلنامه مطالعات شهر

ایرانی اسلامی، شماره ۱۱، صفحه ۵۴

کلانتری خلیل آباد، حسین و پوراحمد، احمد (۱۳۸۴) فنون و تجارب برنامه ریزی مرمت شهری، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران، صفحه ۳۲

امینی لاری، سارا (۱۳۹۰) راهنمای طراحی برای باززننده سازی ناحیه تاریخی مرکز شهر با تاکید

بر ابعاد ریخت شناسانه بافت کهن (نمونه مورد مطالعه: ناحیه تاریخی مرکز شهر گرگان)، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته شهرسازی گرایش طراحی شهری، استاد راهنما: دکتر کامران ذکاوت، دکتر محمود قلعه نوعی، استاد مشاور: دکتر محمدسعید ایزدی، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اصفهان، صفحه ۳۰، ۳۱ و ۳۲

نقی زاده، محمد (۱۳۸۶) ادراک زیبایی و هویت شهر در پرتو تفکر اسلامی، اصفهان: انتشارات سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، ص ۱۸۲.

مدنی پور، علی (۱۳۸۹) فضاهای عمومی و خصوصی شهر، ترجمه فرشاد نوریان، تهران: انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.

تیبالدز، فرانسيس (۱۳۸۵) شهرسازی شهروندگرا: ارتقای عرصه های همگانی و محیط های شهری، ترجمه محمد احمدی نژاد، اصفهان، نشر خاک.

جوان فروزنده، علی و مطلبی، قاسم (۱۳۹۰) مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل دهنده: نشریه هویت شهر، شماره ۸، ص ۲۷-۳۷.

خستو، مریم و سعیدی رضوانی، نوید (۱۳۸۹) عوامل موثر بر سرزندگی فضاهای شهری، نشریه هویت شهر، سال ۴، شماره ۶، صص ۶۳-۷۴.

دانشپور، سید عبدالهادی و چرخچیان، مریم (۱۳۸۶) فضاهای عمومی و عوامل موثر بر حیات جمعی، نشریه باغ نظر، شماره ۷، صص ۱۹-۲۸.

رضایی شریف، علی (۱۳۹۱) پیوند با مدرسه: نظریه ها، تحقیقات و روش های اندازه گیری، تهران، انتشارات دیار.

پاکزاد جهان شاه (۱۳۸۸) سیر اندیشه ها در شهرسازی ۳، تهران: انتشارات شهیدی.

سرمست، بهرام و متوسلی، محمد مهدی (۱۳۸۹) بررسی سیر تحلیل نقش مقیاس شهر در میزان حس تعلق به مکان (مطالعه موردی: شهر تهران)، نشریه مدیریت شهری، شماره ۲۶، صص ۱۳۳-۱۴۶.

فلاحی، محمد صادق (۱۳۸۴) نقش طرح کالبدی در حس مکان مسجد، مجله هنرهای زیبا، شماره



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

۲۴۳

۲۲، صص ۳۵-۴۲.

----- (۱۳۸۵) مفهوم حس مکان و عوامل

تشکیل دهنده آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶، صص ۵۷-۶۶.

لنگ، جان (۱۳۸۱) آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه علیرضا عینی فر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

مطلبی، قاسم (۱۳۸۵) بازشناسی نسبت فرم و عملکرد در معماری، مجله هنرهای زیبا، شماره ۲۵، صص ۵۵-۶۴.

مدیری، آتوسا (۱۳۸۷) مکان، نشریه هویت شهر، سال دوم، شماره ۲، صص ۶۹-۷۹.

رحیم زاده، محمد رضا (۱۳۷۷) مفهوم هویت، مقدمه ای بر هویت معماری معاصر ایران، مقاله چاپ نشده، دانشگاه تهران.

مزینی، منوچهر (۱۳۷۷) نقدی بر مقاله شهر عام، مجله آبادی، شماره ۲۵.

میرمقتدایی، مهتا (۱۳۸۳) معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها، مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۹.

نصر، سید حسین، (۱۳۸۰) معرفت و معنویت، ترجمه انشا الله رحمتی، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی.

نقی زاده، محمد (۱۳۷۸) هویت تجلی فرهنگ در محیط، مجله آبادی، شماره ۳۴ و ۳۵، تهران. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه، جلد پانزدهم، انتشارات دانشگاه تهران

شولتز، کریستیان نوربرگ (۱۳۸۲)، معماری، معنا و مکان، ترجمه ویدا نوروز براز جانی، نشر جان جهان، تهران.

شولتز، کریستیان نوربرگ (۱۳۸۵)، معماری، حضور، زبان، مکان، ترجمه علیرضا سید احمدیان، انتشارات نیلوفر، تهران.

ژید، اندره (۱۳۶۷) مایده های زمینی، ترجمه پرویز داریوش و جلال آل احمد، اساطیر، تهران.

پور جعفر، محمدرضا و همکاران (۱۳۸۹)، پدیدارشناسی

هویت و مکان در بافت تاریخی، فصلنامه شهر ایرانی-اسلامی.

رحمانی، محبوبه (۱۳۸۹) مکان و مفهوم آن در معماری سنتی هویت مکان در معماری امروز، ماهنامه راه و ساختمان و شماره ۷۷.

سادات حبیبی، رعنا (۱۳۸۷) تصویرهای ذهنی و مفهوم مکان، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۵.

Cross, J.E. (2001). What is sense of place, Research on place & space website, 20 feb.

Carr, S., Francis, M., Rivlin, L. and Stone, A., (1992). Public Space Cambridge University Press, Cambridge.

Hummon, D. (1992). Community Attachment: Local sentiment& sense of place, plenum. New York.

Taylor, Ch. (1979). Hegel and Modern Society, Cambridge University Press, Cambridge.

Montgomery, J. (1998), Space, Place and Gender, Polity Press: Cambridge.

Kaplan, R., Kaplan, S & Ruan, S. (1998). With people in mind, Design and management of everyday nature, Washington DC, Island press.

Maddox, S. J and Prinz, R. J. (2003). School bonding in children and adolescents: Conceptualization, assessment, and associated variables, Clinical Child and Family Psychology Review, 6 (1), p. 31-49.

Cross, J.E. (2001). What is sense of place, Research on place & space website, 20 feb.

Carr, S., Francis, M., Rivlin, L. and Stone, A., (1992). Public Space Cambridge University Press, Cambridge.

Hummon, D. (1992). Community Attachment: Local sentiment& sense of place, plenum. New York.

Taylor, Ch. (1979). Hegel and Modern Society,

Cambridge University Press, Cambridge.

Montgomery, J. (1998), Space, Place and Gender, Polity Press: Cambridge.

Kaplan, R., Kaplan, S & Ruan, S. (1998). With people in mind, Design and management of everyday nature, Washington DC, Island press.

Maddox, S. J and Prinz, R. J. (2003). School bonding in children and adolescents: Conceptualization, assessment, and associated variables, Clinical Child and Family Psychology Review, 6 (1), p. 31-49.



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۱ زمستان ۹۴
No.41 Winter 2015

■ ۲۴۵ ■

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری

Urban Management

شماره ۴۱ زمستان ۹۴

No.41 Winter 2015

■ ۲۴۶ ■